



«آباد» فسیل اساطیری

اجداد ما برای نام‌گذاری قله‌ها، قاعده‌داشته‌اند



روزنامه‌نگار
حسن احمدی‌نیا

واژه‌ها، سنگ‌هایی را می‌مانند که در مسیر خروشان رودخانه‌ها، پیوسته در جریان هستند. جریان مداوم، سنگ‌ها را می‌ساید و از شکلی به شکل دیگر بدل می‌کند.، این جمله را که در شماره پیشین همین ستون نوشته بودم، دوباره نوشتم تا مدخلی باشد بر جست‌وجوی واژه‌هایی که احتمالا مرده‌اند و تنها کالبدی از آن‌ها به‌ویژه در برخی نام‌واژه‌ها باقی مانده است.

همچنان‌که پیش از این نوشتم، نام‌واژه‌ها، احتمالا جای مناسبی برای پیدا کردن کلمات باستانی هستند. بررسی نام‌واژه‌ها به‌ویژه انجایی که(مسما)یعنی آن چیزی که نام‌گذاری شده) تاریخی و قدمت‌مند باشد، می‌تواند ما را به کشف واژه‌هایی برساند که احتمالا مرده‌اند و تنها کالبدی از آن‌ها در آن نام باقی مانده است. در این میان یکی از مهم‌ترین گستره‌ها که جست‌وجو در میان نام‌واژه‌های آن گستره، می‌تواند ما را به یافته‌هایی جالب توجه برساند، نام روستاها و آبادی هاست. در هر شهر و دیاری، روستاهای فراوانی هستند که ناشان به نظر بی‌معنا یا عجیب و غریب است و چه فراوان داستان‌ها که سر هم شده تا مثلا بتواند برای نام روستایی، معنایی یا فلسفه‌ای بتراشد. دراین میان، این نکته مهم، از نظرها دور مانده که شاید این نام، یک فسیل باستانی باشد، کالبدی از واژه‌ای که مرده است. اما صرف‌نام‌های عجیب و غریب نیست که احتمالا شکلی باستانی از یک واژه را در خود پنهان کرده‌اند، همین نام‌ها می‌متداول در میان روستاها مثل «محمدآباد»، و«علی‌آباد، و» احمدآباد، هم نشان از فسیلی چندین هزارساله دارند. «آباد،‌ای که در این واژه‌ها به کار رفته، لزوما به معنی آباد کردن نیست. این «آباد، تغییر یافته یک واژه باستانی و اساطیری است که شکل متأخر آن «آیات، است و اشاره به مراقبت دائمی و نگهدانی دادن دارد. درواقع اگر پدران و مادران ما در هزاره‌های پیشین می‌توانستند شرایطی را فراهم کنند تا از زیست و زندگی عده‌ای در جایی، به شکل دائمی، مراقبت شود. آنجا را «آیات، می‌دانستند. این شرایط معمولا با ساخت قلعه(قلعه به معنی جایی که برج و بارو و در و دروازه دارد، و نه لزوما به معنی استحکامات نظامی) فراهم می‌شد و درست از همین منظر قلعه‌ها با پسوند «آیات» نام‌گذاری می‌شدند، چنان‌که می‌دانیم، آذر بیاجان، تغییر یافته، «آتور آیات‌گان» است، یعنی محلی که در آنجا از آتش مقدس (آتور یا همان آذر) نگهداری می‌شود. پس هر شهر و روستایی که واژه «آباد، را در خود دارد، به طریق اولی، حاوی یک فسیل اساطیری است. اما «آباد، تنها پسوندی نیست که حاصل یک تصور چند هزار باشد، پسوندهای دیگری هم هستند که در ساخت نام‌واژه به کار می‌رفته‌اند. به شرط حیات در شماره بعدی همین ستون، به یکی دیگر از این پسوندها می‌پردازم که به‌ویژه در آبادی‌های اطراف مشهد، کاربرد دارد.



دیپلماسی فوتبال؛ چرا و چگونه؟

کتاب «دیپلماسی فوتبال»، پیوند بین محبوب‌ترین ورزش جهان و دیپلماسی را کنکاش و تعامات تاریخی فوتبال را در سه بُعد بررسی می‌کند. نخستین بُعد، کاربرد فوتبال در جایگاه ابزار دیپلماسی یک کشور یا دستگاه حکومتی یک منطقه است. فوتبال در این حوزه‌ها، درست مشابه دیگر گونه‌های فرهنگی و مبادلاتی، در استای تحقق اهداف یک دیپلماسی عمومی عمل می‌کند، درست مشابه همان کاری که دیگر گونه‌های فرهنگی و مبادلاتی با یک اقدام ساده همچون برگزاری یا ممانعت از برگزاری یک مسابقه، در خدمت یک دولت انجام می‌دهد. دومین بُعد، به‌طور کلی از مفهوم دشواری و حاکمیتی فاصله می‌گیرد و همچون یک عامل غیر وابسته به دولت یا حاکمیت و اغلب از طریق اقدامات نهادهای مستقل فوتبالی، به دیپلماسی فوتبال می‌نگرد. اما، می‌تد سوم برای کشف ارتباط میان فوتبال و مجموعه‌ای از نقش آفرینان دیپلماتیک در چهار چوب‌های بومی، ملی و فراملی، دو بُعد قبلی را جمع‌بندی می‌کند. ابعاد مذکور، ایده‌ای کلی را برای فصل‌های این کتاب در اختیار شما قرار داده و فصل‌ها فارغ از هر عبارتی که به‌جای فوتبال استفاده کند، مناسب‌ترین ایده برای منطقه و کشور مورد مطالعه است. کشورها قصد دارند تا با استفاده از دیپلماسی نهفته در مسابقات بین‌المللی، تورنمنت‌ها و تورهای فوتبالی، اهداف سیاسی خود را منتقل کنند. در دیگر نمونه‌ها، فوتبال به عنوان نوعی از بیان هویت و سیاست ملی استفاده می‌شود. «دیپلماسی فوتبال» روابط بین الملل و فوتبال از سال ۱۹۱۴ تا کنون، را به تازگی انتشارات «سروش» منتشر کرده است.



زین قدیپاد

علیرضا حیدری | مدرس ویراستاری

- **بارها در باره ساده‌نویسی نوشته و مثال زده‌ام. به نوشته‌ای از محمد کاظم کاظمی برخورد می‌گویا ایشان هم از سلخته نویسی عذاب می‌کشند.**
- **اگر از من بپرسید که «شاه کلبدن نگارش خوب چیست؟» می‌گویم «ساده نویسی». وقتی به راحتی می‌توانیم بگوییم «تییبن کرد»، چرا بگوییم «نسبت به تییبن آن همت گماشت»؟ از همین قبیل است این عبارت‌ها که من ساده‌شان می‌کنم.**

- **تحت تعقیب قرار داد ✖ تعقیب کرد ✖**
- **مورد بررسی قرار می‌دهیم ✖ بررسی می‌کنیم ✖**
- **به مصاحبه اقدام گردید ✖ مصاحبه شد ✖**
- **مزامحت ایجاد می‌کرد ✖ مزاحب بود ✖**

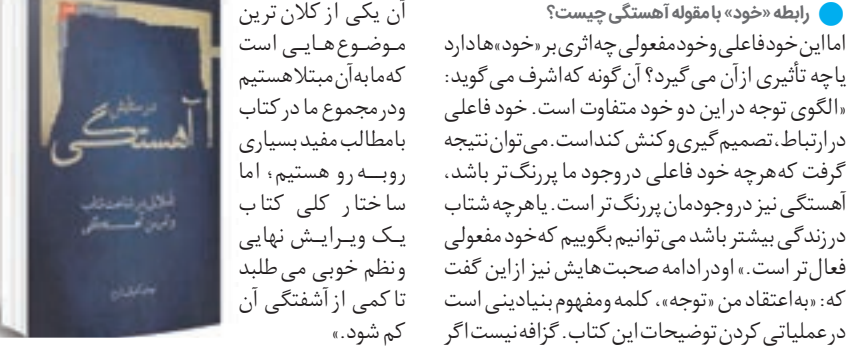
#زین_قدیپاد_یاری

پنجاه و دومین نشست نقد و بررسی پردیس کتاب به مجموعه «در ستایش آهستگی» اختصاص پیدا کرد

آهستگی یک محصول ثانویه است



بگوییم این مفهوم، ما به‌ازای کاربردی‌تر و به‌روزرتر اراده در علم‌روان‌شناسی است. کارکرد توجه در سیستم‌روانی مامثل کارکرد گرهِها در یک قالی است. آنچه ما به‌آن توجه می‌کنیم روان ما را می‌سازد. همچنین از این نکته نیز نباید غافل شد که بسیاری از مضلّاتی که ما با آن‌ها درگیر هستیم الگوهای تکرار شونده توجه هستند. ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که توانایی توجه را به‌شده و اهلی آدم‌ها کم شده است. به‌این معنا که جهان و همه تعلقات آن در حوزه‌ها و ابعاد مختلف، توجه‌ما را به سمت خودش جلب می‌کند. می‌دزدد و در نتیجه می‌تواند رفتار ما را کنترل کند و بر انتخاب‌های ما اثر بگذارد. «اشرف صحبت‌های پایانی خود را مستقیما معطوف به کتاب در ستایش آهستگی کرد و گفت: «کتاب بسیار کاربردی است و مفید. موضوع مورد پرداخت آن یکی از کلان‌ترین موضوع‌هایی است که ما به‌آن مبتلا هستیم و در مجموع ما در کتاب با مطالب مفید بسیاری روبه‌رو هستیم؛ اما ساختار کلی کتاب یک ویرایش نهایی و نظم خوبی به‌لیلد تا کمی از آشفتگی آن کم شود.»



به‌آدم‌های دور و برتان و ببینید که چطور خیلی‌ها در یک بُعدی پیش رفته‌اند و از ابعدای دیگر عقب مانده‌اند. «حبیب رحیم‌پور ازغدی دغدغه پدرش را با خوانی سنت‌ها و اسالت‌ها دانست و گفت: «مسئله راستین ایشان سنت بود، اما به‌همان معنایی که باور داشت، ایشان سنت نقادی را لازمه سنت گرای می‌دانست. مرحوم ابوی سنت نقد انقلابی که ایشان آن را نمایندگی می‌کند. سنتی که‌آن را تقریری می‌کرد و می‌زیست. تعریف ایشان به‌این دلیل مهم است و همان‌طور که همه شما احتمالا مشاهده کرده‌اید ایشان نوشته‌هایش را با امضای نویسنده منتقد می‌نوشته در صورتی که می‌توانست فقط نام خودش را روی مطالب بنویسد.»

- **او پدر جریان عدالت‌خواهی است**

محمد مهدی برداران، معاون وزیر صمت و دیگر سخنران این برنامه، مرحوم رحیم‌پور ازغدی را پدر جریان عدالت‌خواهی موجود در کشور معرفی کرد و گفت: «یکی از ویژگی‌های حاج حیدر رحیم‌پور ازغدی، قالب شکنی بود و یک نوع قالب‌گریزی در وجود ایشان حکم‌فرما بود. بدین‌منظور که ایشان بنا به شرایط موضوع سخن خود را تغییر می‌داد. ایشان فردی انقلابی به‌معنای تمام بود و رویکرد ایشان در همه مسیر زندگی نیز رویکردی انقلابی بود و ریشه بسیاری از جریان‌های عدالت‌خواهی که امروز وجود دارد، به‌مطالب و شاگردان ایشان بازمی‌گردد.»



کشورداری است که بخش بزرگی از شاهنامه را در بر می‌گیرد و این آیین زنده می‌ماند تا شاهانه بعدی نیز با توجه به همان فرمانروایی کنند. پس از «تمدن‌سازی» و بنیان نهادن «آیین خسروان»، سومین موضوع مهم در داستان پادشاهی گیومرت، «نبرد نیکی با بدی» است. دیوان که در شاهنامه نمادی برای آشوب‌کاران هستند و با مردم‌نیکوکار آغاز می‌شود. پس از شکل‌گیری تمدن، مهم‌ترین کارهای گیومرت عبارت‌اند از: کشف سودمندی‌های جهان، توصیه به مردم برای ستایش خداوند که انسان را بر دیگر جانداران برتری داده است، بنیان نهادن شیوه فرمانروایی که در شاهنامه «آیین خسروان» نیز نامیده می‌شود. «آیین خسروان» مجموعه قوانین و شیوه‌نامه‌ها در موضوع تربیت شاهان و آداب

بسیاری از چیزهایی که در جهانمان وجود دارد، اصلا فردی نیست و اتفاقا جنبه‌های جمعی و اجتماعی دارد.

چنان‌که در کتاب نیز نوشته شده است: «شتاب‌زدگی هر چند در زندگی فرد فرد انسان‌ها رسوخ کرده، اما واقعیتی اجتماعی است و نمی‌توان به‌صرف توصیه‌هایی از جنس آموزه‌های معنویان برای آن چاره‌اندیشید. وضعیت عمومی جهان ما شتابی است فراینده.»

- **معضل به‌معرض نمایش گذاشتن**

سیطره میل موفقیت در جامعه‌نمایشی چنان که با همین عنوان در کتاب ذکر شده، یکی دیگر از موضوع‌هایی بود که زارع به‌آن پرداخت. او گفت یکی دیگر از علل فقدان آهستگی در جهان ما میل به موفقیت مدام است و در جهان امروز، ما بیشتر از اینکه در جست‌وجوی ویژگی‌هایی چون محبت و عشق باشیم، دنبال کسب موفقیت‌های گوناگون هستیم و در نتیجه، به‌معرض نمایش گذاشتن این موفقیت‌ها. اودر کتاب در ستایش آهستگی نوشته است: «ما در جهان جدید آموخته‌ایم بیش از آنکه جویای معرفت، فضیلت، عشق و محبت و حتی لذت باشیم، به دنبال موفقیت باشیم و لحظه‌ای از این جست‌وجو دست نشوییم. جامعه دستاورد محور و موفقیت طلب و به‌عبارت دیگر همان «جامعه‌نمایش» عمیقاً انسان را از تأمل و تعمق دور می‌کند و به‌بیرون و آنچه «بودن» گفته می‌شود از آن، آنچه «نمودن» گفته می‌شود پرتاب می‌کند. اگر ما انسان‌های مدرن نسبت به گذشتگانمان خود را در مسابقه و رقابتی بزرگ و بی‌کُران می‌بینیم این همان زمین مسابقه‌ای است که جهان جدید برای ما پدید آورده است.»

● **آهستگی را نمی‌توان مستقیما خلق کرد**
در ادامه این نشست محمد حسن اشرف، به‌عنوان منتقد، از این گفت‌و‌قرار است از منظر علم‌روان‌شناسی به کتاب آهستگی نگاه کند. اودر ابتدای صحبت‌هایش به‌این نکته اشاره کرد که مقوله آهستگی یک فرآورده ثانویه است به‌این معنا که: «در خوبی و فایده‌اش شکی نیست، اما اگر بخواهیم در آن مداخله کنیم نمی‌توان آن را به‌صورت مستقیم در دیگران ایجاد کرد. درواقع باید اقدامات دیگری در وهله اول انجام شود تا آهستگی به‌عنوان یک محصول ثانویه شکل بگیرد.»

- **خود فاعلی و خود مفعولی**

صحبت‌هایی که در ادامه کمی ریزتر شد و رسید به اینکه: «ما دو نوع خود داریم: خود فاعلی یا اول شخص و خود

مقدمه «در ستایش آهستگی» شاید بهترین مقدمه برای این مطلب نیز باشد؛ گفته‌هایی که با زبان و بیان شیرین مولانای بلخی گره خورده:

«تیز برداشتی تو ای مطرب/ این به آهستگی توان کردن/ این گران زخمه‌ای است نتوانیم/ رقص بر پرده گران کردن/ یک دو ابریشمک فروتر گیر/ تا توانیم فهم آن کردن/ اندک اندک ز کوه سنگ کشند/ نتوان کوه را کشان کردن» «ایبانی که در واقع خطابه‌ای است به‌نوازنده‌ای که در نواختن شتاب و شلّتاق می‌کرده و مولانا به او توصیه می‌کرد اندکی با درنگ و آهستگی بنوازد تا فرصتی را برای فهم و هماهنگ شدن با نوا ساز برای شنوندگان فراهم آورد، «آهستگی» ای که به‌نظر می‌رسد در شتاب حاکم بر جامعه امروز نیز کم‌رعمق و گم‌شده است و عوامل بسیاری بر این فقدان دخیل هستند. کتابی که ذکرش رفت. تأملاتی است در شناخت شتاب و تمرین آهستگی، به‌قلم مهدی کمپانی زارع که به‌وسیله نشر نگاه معاصر به چاپ رسیده است. کتابی که در پنجاه و دومین نشست نقد و بررسی در مجموعه پردیس کتاب محل بحث قرار گرفت؛ صبح روز ۱۸ شهریور و با حضور مهدی کمپانی زارع، نویسنده اثر و محمد حسن اشرف به‌عنوان منتقد.

● **زندگی در جهانی شتاب‌زده و فاقد آهستگی**
مهدی کمپانی زارع صحبت‌های خود درباره کتابش چنین آغاز کرد: «کوشیدم در این مجموعه به آسیب بزرگی بپردازم که در روزگار ما بیشتر از قبیل وجود دارد و بگوییم جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم چیزی از ما ذریغ کرده است که در گذشته خیلی بیشتر وجود داشت. چیزهایی که غرض از آن البته خاطره‌بازی یا غوطه خوردن در یک فضای نوستالژیک نیست، بلکه به‌این معناست که چیزهایی در جهان ما پدید آمده است و وجود دارد که ما را از خویشتن دور می‌کند. و در ادامه صحبت‌هایش از این گفت که آهستگی آن عنصری است که فقدانش امروزه بیش از پیش به‌چشم می‌آید و شتاب، دیگر مقوله‌ای است که جای آهستگی را گرفته است و اثر و عواقب بسیاری نیز دارد: «باید تلاش شود تا شتاب حداقل در ساحت فردی کنترل شود. در عین حال، بسیار مهم است که بدانیم



مراسم نخستین سالگرد درگذشت معلم عدالت، حاج حیدر رحیم‌پور ازغدی در سالن همایش مؤسسه فرهنگی قدس در مشهد برگزار شد. در این مراسم که با حضور جمعی از دست‌آوران و شاگردان این مرحوم برگزار شد، استاد حسن رحیم‌پور ازغدی، دکتر محمد مهدی برداران و حبیب رحیم‌پور ازغدی به‌سخنرانی پرداختند. ایشان به‌ما آموختند هر روز فعالیت داشته باشیم و کار مفیدی انجام دهیم

استاد حسن رحیم‌پور ازغدی دیگر سخنران این مراسم، در بخشی از صحبت‌هایش، پدرش را انسانی متکلم که به‌واسطه سال‌ها مطالعه در فقه و کلام، صاحب‌نظر شده بود، توصیف کرد و گفت: «من پاسخ خیلی از سوالاتم در حوزه‌های اعتقادی، کلامی، فلسفی و... را پیش ایشان پیدا می‌کردم. مرحوم بیش از ۱۰ هزار جلد کتاب مطالعه کرده بود. خود ایشان بیان می‌کردند: کتابی نیست در کتابخانه آستان قدس رضوی که من نخوانده باشم. ایشان قلم‌بسیار زیبایی هم داشتند و هزاران مقاله تألیف کردند که متأسفانه هنوز از منابع مختلف جمع‌آوری و گردآوری نشده‌اند.»

وی یاد کرد خاطره‌ای از مرحوم رحیم‌پور ازغدی گفت: «ایشان به‌ما آموختند که هر روز فعالیت داشته باشیم و کار مفیدی انجام دهیم. درواقع ایشان روحیه چریکی را از کودکی

در فکر ما نهاده‌اند کردند. ایشان همواره بر این موضوع تأکید داشتند که در هر نفسی که می‌کشیم به‌خداوند مدیون هستیم و بابت هر لحظه‌ای که می‌خوریم و هر روزی که می‌گذرانیم باید در پیشگاه خداوند جواب بدهیم که چه خدمتی در راه خدا و برای مردم انجام داده‌ایم. ایشان حتی هزینه سنگ قبر فرزند شهید و مفقودالثرشان را از بنیاد شهید دریافت نکردند، چرا که به‌شدت معتقد بودند ما از نظام طلبکار نیستیم، بلکه همه چیزمان را باید فدای آن کنیم.»

حسن رحیم‌پور ازغدی در ادامه به جامعیت فکری و تعامل ایشان با جریان‌های مختلف اشاره کرد و گفت: «از بچگی شاهد بودم که از جریانات مختلف و متفاوت و حتی متضاد فکری همراه ایشان بودند. از جریان‌های کاملاً سنتی و دینی گرفته تا جریان‌های چپ و کمونیستی و پدر همواره با آن‌ها گفت‌وگو و مباحثه می‌کرد. با این حال ایشان در تمام تصمیمات زندگی خود و اطرافیان‌شان، دین را مبنای قرار می‌دادند. البته هدف من از این سخنرانی تنها صحبت از ایشان نیست، چرا که خود مرحوم به‌شدت با این رویه مخالف بودند و حتی وصیت کردند تا در مجلس ختمشان، واعظ از ایشان سخن نگوید و به‌سخنرانی درباره مرگ و آخرت بپردازد. مرحوم خود را مالک هیچ چیز در این دنیای نمی‌دانست و هر چه داشت را در راه دین و انقلاب خرج می‌کرد. راه‌حل مسائل و مشکلات فعلی جامعه در بسیاری



به‌شکل روایت‌های تاریخی درآمده‌اند و با باورهای دینی منافاتی ندارند. گیومرت در سیمای نخستین پادشاه جلوه می‌کند. نخستین پادشاه ایران و جهان که نامش در سیر تحول زبان فارسی به «کیومرث» تبدیل شده است، تمدن انسانی را به‌شکل ابتدایی تشکیل می‌دهد و زندگی جانداران را سامان می‌بخشد و وقتی دیوان به جنگ اومی آیند، پسرش سیامک را به نبرد با دیوان می‌فرستند و این پسر در نبرد با دیوان کشته می‌شود و گیومرت سپس به کمک نوازش هوشنگ که فرزند سیامک است، از دیوان انتقام می‌گیرد و مردم را از شر آن‌ها نجات می‌دهد. داستان گیومرت در تاریخ اندیشه ایرانی و به‌ویژه اندیشه سیاسی اهمیت فراوانی دارد.



شاهزاده و پژوهشگر
حسین احمدی‌نیا